

بررسی بن مایه های اجتماعی ادبیات پایداری در اشعار عباس باقری

علیرضا محمودی (استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه زابل)

محمدعلی قهرمانی (دانشجوی کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی)

نرجس خاتون میربهاءالدین (کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی)

چکیده

ادبیات، نه تنها نماد و نمود جامعه است؛ که جامعه را نیز به جنبش و جوشش می گمارد و گاه با جامعه خود به مبارزه برخاسته؛ می کوشد آن را دگرگون سازد. بخش وسیعی از آنچه در ادبیات فارسی بازتابیده است؛ پایداری شاعران و نویسندگان در برابر مهاجمان به حقوق ملی، انسانی و نهادهای فرهنگی است. ادبیات پایداری گونه ای از ادبیات است که مقاومت و نبرد ملت ها در برابر تجاوز دشمنان داخلی یا خارجی به حقوق و ارزش هایشان را بازگو می کند و بیانگر دردها و رنج هایی است که در برهه ای از تاریخ بر ملتی تحمیل شده است. در حقیقت ادبیات پایداری به هرگونه تلاش و کوششی که در راه مبارزه با ظلم صورت پذیرد، گفته می شود. عباس باقری از جمله شاعران معاصر کشورمان در حوزه ادبیات پایداری است. اشعار وی بیشتر در قالب های آزاد و شعر نو می باشد و مضمون اشعار ایشان برگرفته از اجتماع، اقلیم و به نوعی دردهای مشترک انسانی است. در این پژوهش که باهدف شناخت هرچه بهتر ویژگی های شعر پایداری کشورمان صورت رفته است، تلاش شده تا به شیوه توصیفی تحلیلی مجموعه اشعار عباس باقری از منظر بن مایه های اجتماعی ادبیات پایداری بررسی شود. نتیجه این پژوهش نشان از آن دارد که عباس باقری توجه ویژه ای به وطن دوستی و مضامین مربوط به آن نشان داده است.

کلید واژه: ادبیات مقاومت، بن مایه های شعری، مضامین اجتماعی، عباس باقری.

مقدمه

شعر فارسی از دیرباز تاکنون همواره ابزاری بوده که به وسیله آن شاعران متعهد، مسائل اجتماعی زمان خود را در آن منعکس می کرده اند، چنان که می توان مسائل اجتماعی هر دوره را در اشعار شاعران متعهد مشاهده کرد. در فرهنگ معین، ذیل واژه مقاومت آمده است: «ایستادگی» و ذیل همان واژگان آمده است: «مقاومت، ایستادگی، دوام و توان» (معین، 1388: ذیل واژه پایداری). ادبیات پایداری در مفهوم اصطلاحی آن «معمولاً به آثاری اطلاق می

شود که تحت تأثیر شرایطی چون اختناق، استبداد داخلی، نبود آزادی های فردی و اجتماعی و قانون گریزی و قانون ستیزی با پایگاه های قدرت، غصب و غارت سرزمین و سرمایه های ملی و فردی و... شکل می گیرد. بنابراین جان مایه این آثار، مبارزه با بیداد داخلی یا تجاوز بیرونی در همه حوزه های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ایستادگی در برابر جریان های ضداجتماعی است « (حسام پور، 1387: 121).

ادبیات مقاومت، یکی از انواع ادبی است که تحت تأثیر شرایطی چون استبداد داخلی و یا هجوم خارجی شکل می گیرد. در تعریفی جامع تر از این نوع ادبی آمده است که: «ادبیات مقاومت به مجموعه آثاری اطلاق می شود که از زشتی ها و فجایع مستکبران داخلی یا تجاوزگر بیرونی در همه حوزه های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی با زبانی ادیبانه سخن می گوید « (شکری، 1366: 10).

وقوع انقلاب اسامی ایران در سال 1357 سرچشمه ای غنی برای خلق آثاری بزرگ در حوزه ادب پایداری بود. همچنین وقوع جنگ تحمیلی و دوران دفاع مقدس سرلوحه ادبیاتی گشت که با عنوان «ادبیات دفاع مقدس» نوع ادبی مستقلی پیدا کرد.

عباس باقری شاعر و نویسنده و پژوهشگر معاصر (تولد: 1334) یکی از شاعران معاصر ایران می باشد. او در اشعار خود رویکرد ویژه ای به ادبیات پایداری و دفاع مقدس، وطن دوستی، ظلم ستیزی، ابراز انزجار از دشمن، دعوت به اتحاد و همبستگی، حق طلبی، مرثیه برای شهدای راه آزادی، ستایش آزادی و آزادگی و مضامینی از این دست داشته است. وی بیشتر در قالب های آزاد و شعر نو، طبع آزمایی کرده و همواره یک چهره اجتماعی و متعهد در زمینه شعر و ادبیات بوده است. از آنجاکه از طریق بن مایه ها و تحلیل آن در آثار ادبی، می توان سیر تفکر، نموده های آن و گستره اندیش های خاص را در یک حوزه جغرافیایی یا اندیشگانی بررسی کرد، در این پژوهش تلاش می گردد تا به بررسی مضامین و بن مایه های اجتماعی ادبیات مقاومت در اشعار عباس باقری پرداخته شود.

پیشینه تحقیق

سابقه پژوهش در زمینه ادبیات پایداری عمر چندانی ندارد، هرچند در سال های دفاع مقدس به ویژه سال های پس از جنگ در زمینه ادبیات پایداری جلسات و سمینارهای زیادی برگزار شده و کتاب ها و مقالات متعددی نوشته شده، اما درباره موضوع ادبیات پایداری در شعر عباس باقری پژوهش مستقلی صورت نگرفته است. با توجه به حجم گسترده آثار در زمینه ادبیات پایداری، کتاب ها، پایان نامه ها و همچنین مقاله های فراوانی در ادبیات فارسی نگاشته شده است. از جمله کتاب ها و مجموعه مقالاتی که پیرامون دفاع مقدس چاپ شده است می توان به کتاب هایی نظیر: بررسی تطبیقی موضوعات پایداری در شعر ایران و جهان، کاکایی، 1379، نامه پایداری: مجموعه مقالات اولین کنگره ادبیات مقاومت، امیری خراسانی، 1384، نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس، سنگری، 1380، قسم به نخل قسم به زیتون، محمدی روزبهانی، 1389، آشنایی با ادبیات مقاومت جهان، ترابی، 1389 و... آثاری گرانسگ در حوزه ادب پایداری می باشند که در آن ها مطالبی ارزشمند درباره ادبیات پایداری یافت می شود.

مختصری در مورد زندگی و آثار عباس باقری

عباس علی (عباس) باقری شاعر، ترانه سرا، منتقد ادبی و نمایشنامه نویس، متولد بیست و پنجم فروردین ماه یک هزار و سیصد و سی و چهار در شهرستان زابل می باشد. او دارای مدرک کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فارسی و درجه دکترا هنر (درجه ک هنری) است.

از سال 1351 و با مجله جوانان که مسئول صفحه شعر آن علیرضا طباطبایی، از چهره های ماندگار آن زمان، به شعر گفتن پرداخت. شعرهایش تاکنون به صورت پراکنده در نشریات مختلفی مثل روزنامه های کیهان و اطلاعات و مجات رودکی، زن روز، جوانان و کیهان فرهنگی، کتاب صبح، طلایه، سوره، ادبستان، اهل قلم، مجله شعر و ... انتشار یافته است. همچنین باقری گاهی به نوشتن نمایشنامه مقاله و نقد شعر و ادبیات هم پرداخته است.

از باقری آثار مختلفی منتشر شده است. انتشار بیش از بیست دفتر شعری که از آن جمله می توان: از کلمه تا کبوتر، از پلک سنگ، از سال های نغمه و کافور (مجموعه چهارجلدی شامل: شرح شوکران، همین صدای جنوبی، من پیا مآور شبنم، هنوز سطر اول سایه)، افطار در عاشورا، ایوب در باد، باران تلخ، تبعید در آفتاب، تکی هبر زخم، خاکه نغمه ها، خانه سرودها، دست های سربلند، روزهای مندرس، روزی کبوتری، زخم های زیتونی، سنگ و سرنا، صبح در پرگار، مثل شاخه، ناگهان از خاک، نام دیگر دریا، نه پنجره نه ایکاش و... را نام برد.

همچنین از دیگر آثار باقری می توان به تألیف و انتشار بیش از ده جلد کتاب زندگینامه سرداران شهید استان، مجموعه پانزده جلدی شعر معاصر سیستان و چاپ و انتشار بیش از سی جلد کتاب در حوزه های تاریخ ادبیات و دفاع مقدس اشاره کرد.

باقری پس از انقلاب و همزمان با تحولات سال 1354 به بعد و فضای سیاسی آن روزگار که در ادبیات معاصر کشور نیز اثرات خود را نمایاند، رویکردی تأمل برانگیز به این گونه (ژانر) شعری پیدا کرد. او از جمله افرادی است که شعر جوان سیاسی را استمرار بخشید. نمونه های این رویکرد را می توان در مجموعه شعر او بانام «شرح شوکران» مشاهده نمود.

بی شک مسائل اجتماعی همچون فقر، مهاجرت، کمبود امکانات بهداشتی و آموزشی و... از علل اصلی این رویکرد بوده است.

باقری در حوزه شعر سپید چند دوره را پشت سر گذاشته و یک سیر تکوینی و تکاملی داشته است. برای مثال در اوایل انقلاب که شعر کلاسیک مورد توجه بوده است، باقری نیز در آن فضا سعی کرده کارهای کلاسیک را ارائه کند ، ولی در دهه دوم انقلاب به قالب های نیمایی و سپید توجه داشته است. ولی در دهه سوم انقلاب با توجه به این موضوع که احساس می کند باید به زبانی صحبت کند که برای مردم قابل فهم تر باشد، زبانش روانتر و ساده تر و مردمی تر شده است. به عنوان مثال، باقری در کتاب «روزی، کبوتری» زبانی به لحن محاوره و امروزی دارد؛ زبانی از جنس

مردم کوچک و بازار. یعنی هرچه به این سال ها نزدیک تر شده، زبانش مردمی تر و ساده تر شده است و امروز هم در این مرحله متوقف نمانده است و دنبال نگاه های جدید در حوزه ادبی است. او سعی می کند خودش را با شرایط زمانی و مکانی انطباق بدهد و یک حرکت روبه جلو داشته باشد و هیچ موقع خودش را محدود نکرده و متوقف نمانده است.

اشعار باقری دارای مضامین اجتماعی، مذهبی، عامیانه و انقلابی است که شاعر با در نظر داشتن ریزه کاری های کلام و آفرینش های شاعرانه به صورتی خلاقانه، با زبانی روان و دل نشین و به دوراز تکلف و تصنع در استعمال لغات و تعبیرات به هر یک از این مضامین پرداخته است.

مضامین اجتماعی دست مایه خوبی است که شعرا اطلاعات، دانش، هنر و ابتکارات ادبی خویش را در قالب آن ارائه و پرورش دهند. باقری در سروده های اجتماعی خود حقایق و حوادث موجود در جامعه را در قالب توصیفات، تشبیهات و تعبیراتی بسیار زیبا و دلنشین و درعین حال مؤثر بیان می کند. وی در این سروده ها که سرشار از درک و بینش اجتماعی- مذهبی است با زبانی نرم و لطیف، به دوراز دشواری ها و پیچیدگی های لفظی و معنایی به بیان حقایق و عقاید موردنظر خود می پردازد.

بن مایه های اجتماعی

اعتراض به رفاه طلبی، بی عدالتی ها و فقر

علت بسیاری از انقلاب ها، فقدان عدالت اجتماعی در جامعه بوده است و به همین رو تمام مصلحان بشری و انسان های آزاده تاریخ با اندیشه عدالت، حرکت های اصلاحی را آغاز نموده و یکی از اهداف اصلی انقلاب و تحولات اجتماعی خود را رفع تبعیض و برقراری عدالت اجتماعی قرار داده اند. باقری در روزگاری شعر می گوید که:

«... ترک پای روستا/ با وعده شکیب، فراموش می شوند...» (باقری، 1389 : 248).

بنابراین در اشعارش همواره رفاه طلبی و دنیاگرایی و بی تفاوتی در جامعه را به باد انتقاد می گیرد و نگرانی خود را از کم رنگ شدن ارزش های انسانی و آرمان های انقلاب ابراز می دارد:

«به آقازاده های انگلیس مشرب نگویید! آقایان عمرو عاص های هزاره سوم! این

انگشتی/ در انگشت میسیونرهای* ویلانشین چه می کند؟!» (همان: 238).

اعتراض و انزجار از افراد بی تفاوت به جنگ

یکی دیگر از مضامین اشعار باقری انتقاد از افرادی است که نسبت به اوضاع اجتماعی جامعه از جمله جنگ تحمیلی بی تفاوت هستند. باقری در سروده «کومه هایی تماشا» در بندبند این سروده بر این قشر بی درد و بی تفاوت جامعه می تازد:

«در کومه های تماشا/ تو بودی و آتش/ تو بودی و دریا/ تو بودی و بوی خوش سیبِ اغوا/ و بوی خوشِ مرگ،/ در باغ های تماشا/ و بوی خوشِ سفره نان و یغما/ تو بودی و آیینِ آتش/ عطش گسترانیده بر تاولِ سنگ و صخره/ تو بودی و محراب دریا/ که در سجده مو جها روی شن/ بَغضِ دریادلان را ندیدی/ تو ماندی/ و ساحل/ به امواج سبزِ کف آلوده ایمان نیاورد/ و مُرداب/ گیسوی خود را/ به کتفِ درختان بی ریشه گسترده...» (باقری، 1388 : 158).

انتقاد از عملکرد سازمان های حقوق بشری

پیگیری مسائل حقوق بشر دلیل اصلی ایجاد سازمان ملل بود. جنگ جهانی دوم و مسائل مربوط به نسلکشی سبب شد تا بر سر ایجاد سازمان جدیدی که مانع وقوع تراژدی های مشابه در آینده اجماع جهانی به وجود آید. هدف اولیه نیز ایجاد یک چارچوب قانونی برای بررسی و عملکرد مناسب بر اساس شکایات در مورد تخطی از حقوق بشر بود. منشور ملل متحد تمام اعضای سازمان ملل را ملزم به احترام و رعایت حقوق بشر می نماید و همه را موظف می داند تا برای رسیدن به این هدف تلاش کند. باقری گزاره های خشم و فریاد و مظلومیت مردم کشورش را بر چهره جهان بی تفاوت می باشد و کشورهای مدعی «حقوق بشر» را از خواب غفلت بیدار کند؛ البته اگر خودشان را به خواب نزده باشند:

«شیشه شیرش را به لب می گیرد/ و آرام/ به خواب م یرو، کودک/ پیش تر

از آنکه حقوق بشر/ گلوله بارانش کند» (باقری، 1386 : 175).

بیان صحنه های آواراگی و بمباران های هوایی

در طول 8 سال جنگ تحمیلی رژیم صدام یکی از اصلی ترین روش های خود در جنگ را بر بمباران شهرها و مناطق مسکونی قرار داده بود و بارها با بمباران هوایی و موشکی مناطق غیرنظامی را هدف قرار می داد. بخش قابل توجهی از شمار شهدای جنگ تحمیلی نه در میدان جنگ و در مقابل دشمن که در کوچه و خیابان، مدرسه و بیمارستان یا در خانه هایشان هدف بمب ها و موشک های رژیم بعث قرار می گرفتند و به شهادت رسیدند.

حملات عراق به مناطق مسکونی که به عنوان یکی از جنایات جنگی صدام در 8 سال جنگ تحمیلی در شعر باقری نیز بازتاب یافته است. باقری سروده «تاقه خون» را به یاد اولین بمباران هواپیماهای دشمن سروده است:

«خیره آورده به خورشید شبیخون شب پست

طعنه بر خود زده این روسپی فتنه پرست
خاک من باغ گل انگیز بهار آیین است
طره حادثه می رویدش از ریشه مس ت
این زمین با خط خون لوح عقیقی است کز آن
بارها هیمنه سامی و ضحاک شکست
یاوه کم گو شب بی مایه سخن کز سر وجد
یاوه میراث تو و تاقه خون ارث من است
این گلستان که ز هر خطبه خون می روید
وین همه آرش جان بر کف زوبین در شست...»
(باقری، 1378 : 30).

ساکنان حلبچه در جریان جنگ ایران و عراق، توسط رژیم وقت عراق بمباران شیمیایی شدند و بیشتر از پنج هزار غیرنظامی و بی دفاع در یک نیمروز در این شهر جان باختند. گازهای سمی به کاررفته از سوی دولت عراق در حلبچه گاز خردل، سارین و... بود که از سوی برخی دولت های غربی به رژیم بعث عراق تحویل داده شده بود. باقری در سروده «در کوچه های خردلی» به یکی از وقایع تلخ جنگ تحمیلی که استفاده حکومت صدام از بمب های شیمیایی و ممنوعه است اشاره می کند:

«در کوچه های خردلی / باربرها / دارند نور به سمت لحظه های سیال می برند / با پینه دست هایشان از تراکم گوگرد / و ماه / از برهوت آسمان / سیاهی ژرف را در کار گشودن پنجره ها می بیند / پرنده های هراسناک / از چار سمت واهمه خاموش می گریزند / باربرها / هنوز به خانه بازنگشته اند / دارند نور را به سمت سفره خانه های «کیک زرد» م ببرند / وخال کبود ماه / وپروس برزخی اش را / بر دست و روی ستارگان میبھوت / تکثیری کند « (همان، 1388 : 328)

توصیف پایداری و مقاومت ملت های مظلوم جهان

یکی از اهداف و شعارهای اصلی انقاب اسامی ایران، کمک به ملت های مظلوم و ستمدیده است. به طوری که هر جا مبارزی برای آزادی از یوغ ستمگران فریاد برآورد، انقلاب و ملت ایران با او هم-صدا هستند. این همسویی با مستضعفان جهان از آرمان های اصلی شاعران پایداری در سراسر جهان است.

تاریخ گواهی می دهد که هیچ ملتی، چه در گذشته و چه امروز، از جنگ در امان نبوده است. واقعیت این است که عوامل جنگ افروز ادوار نخستین تاریخ بشر، همچنان وجود دارند؛ جنگ ها و کینه-کشی های متعدد در یک قرن

گذشته در جهان، جنگ های جهانی، جنگ های منطقه ای، جنگ های سرد، زرادخانه ها، انبارهای انباشته از سلاح های گوناگون در قرن بیستم شواهدی از این مدعاست.

تاریخ، حاکی از دخالت های خصمانه قدرت های سلطه گر استعماری در امور کشورهای مظلوم است. به همین دلیل، ستیز و جنگ با استعمار، یکی از درون مایه های برجسته شعر پایداری به شمار می رود. باقری در شعری با عنوان «آوازهای پنج قاره مبروص*» به ترسیم سیمای شهرهای کابل، پیشاور، داکا، چاد و پرتوریا به عنوان نمادهای مقاومت می پردازد:

«...در سرب ریزِ کوچه بن بست/ «کابل»/ بازیچه بلوغ مجاز است/ تا غرب/ هر پشته را به جای سنبله/ بذر سیاه مرگ بکارد./ «پیشاور»/ چشم انتظار کاسه باروت/ در جشنِ پاکوبی ترکش/ بر نطع استخوان./ «داکا»/ مستعمره نشین دولت باران:/ باران مرگ/ بر کومه های چهل سالگی./ در خاور خیال/ انسان بی نگاه/ استاده روی مو جهای شماتت/ تا پشته های کف/ او را به سُخره درآویزند./ شب ها که واهمه/ تشویش را/ بر طارمی خاطره بیدار می کند/ او، در انقیاد نارس اندیشه اش/ تخدیر می شود/ و آرام و رام/ در تارهای عنکبوت عطش، پیر می شود./ او، روزی هزار بار/ خود را به نام و ننگ گره می زند/ کز روی پلکان ابر نیفتد./ زیرا مفتون دیوارهای اسارت/ قربانی توازن بازار است:/ بازارِ اضطراب/ بازارِ لوح فشرده تلبیس/ بازارِ سوگواریِ انسانِ بی چراغ/ در عصرِ صاعقه./ در «چاد»/ فطرت/ مغلوبِ واژه «نان» است/ و قحط سال/ دارد به صادراتِ ملخ، فکر می کند./ تا «زنگبار»/ از نرخ لرد های* خویش نرنجد/ و حق انتخاب/ به بازار برده فروشان مست برگردد./ (آه... استوا!!/ خورشید/ در ساحلِ کدام بندرِ گمنام/ بار افکند/ تا فقر را/ چون سالکی درشت/ روی شقیقه مستعمرات نبیند؟)/ «پرتوریا»/ جنازه نفرت را/ در جاده های رنگ/ غسل دوباره تممید می دهد/ تا مرگ را، آینه نگاه تو نشناسد...» (باقری، 1389: 49 - 47)

باقری درجایی دیگر از بنیامین مولوئی (ملوئیزی) شاعر انقلابی و عضو جنبش چریکی کنگره ملی آفریقا که به اتهام کشتن یک افسر پلیس سیاه پوست در سال 1982 م در زندان مرکزی پرتوریا به دار آویخته شد چنین یاد می کند:

«مردی/ همزاد آینه/ در رنج زار هوش/ چنانکه/ آوازی از پرنده/ بر پشته های درهم خار خسک/ مردی/ در هیأت شکوفه آتش/ کز زخم دیرسال حقارت...» (همان، 1387: 26)

و از تصویب حکم اعدام او این چنین یاد می کند: «در جاده های مه گرفته «پرتوریا»/ آتشفشان لاله/ سرازیر شد/ «گنجره*»/ لبخند را/ روی گدازنده اندوه/ تصویب کرد/ و، مردی/ از پشت میله ها/ در کاسه نواله تف انداخت/ مردی که/ جغرافیای تازه خورشید را/ از زیر بال کرکس تحقیر/ در ربود/ مردی که/ نسل برهنه را/ در آخرین تشنج اندام خود ستود» (همان، 1387: 20).

موضوع فلسطین به عنوان پاره تن اسلام از دیگر مضامینی است که در شعر باقری حضوری چشمگیر دارد. از دیرباز ادبیات در ایران و دیگر کشور جهان نقشی سازنده و مؤثر داشته است و یکی از این نقش ها، احقاق حق مظلومان می

باشد. ادبیات پایداری فلسطین، انگیزه ای قوی در انقلاب ما به وجود آورد و منشاء تأثیرات عمیقی بود. فلسطین و بیت المقدس به عنوان نماد مبارزه و آرمان جهان اسلام همواره مورد توجه باقری بوده است. او در سروده «کرانه خاکستر» بار دیگر قداست سرزمین فلسطین را به تصویر می کشد:

«کرانه خاکستر / همین پرنده بود / همین پرنده / مونتاز / که سر به آسمان زیتونی گذاشت و / رفت / رفت تا ققنوس های شبیه سازی را / از کرانه تل خاکستر بیاورد / و با بزاق دهان انبیای نامرسل / به ترانه خوانی شان وادارد / همین پرنده بود / همین پرنده از راه دور، دست آموز / که ته مانده خاکستر کلمات را هم به باد داد / تا پیغمبران بزک کرده را / دوباره به معجزتی دیگر فرا خواند « (همان، 1388 : 347)

خودآگاهی تاریخی زنان و حضور زنان در صحنه های پایداری

با آغاز جنگ تحمیلی و حمله عراق به مرزهای ایران، زنان در عرصه های مختلف اجتماعی در زمان دفاع مقدس حضور پیدا کردند و این مشارکت آثار مثبت فراوانی داشت. در سال های دفاع مقدس، در جبهه ای به وسعت ایران اسلامی، زنان مؤمن، شجاع و ایثارگر سهم عمده ای را در کنار رزمندگان اسلام برای رسیدن به پیروزی های بزرگ ایفا کردند. باقری در شعری با عنوان «به لحظه والعصر» از مادری یاد می کند که بر شهادت همسر و فرزندانشان صبوری پیشه کرده اند:

«مادر / نشانه پرواز را می داند / تکه های پدر / هنوز به خانه بازنگشته است. / و نوجوان / شناسنامه اش را / در خاک ریزها، مرور می کند « (باقری، 1389 : 114)

و درجایی دیگر پایداری او را اینگونه می ستاید: «شکلی از آینه دارد / این زن / این، / زیتون رخ جنوبی / وقتی باورت / در پلک باز چادر او / غنچه می -دهد / و او / کل می زند هنوز / و می آید / تا آخرین ستاره خود را / از روی خاک سوخته، بردارد « (همان، 1386 : 80)

خودآگاهی ملی

ستایش شخصیت های مبارز و آزادی خواه

ستایش شخصیت های مبارز و آزادی خواه که در بیداری مردم تأثیر داشته اند، از دیگر مضامین شعر باقری است. «ستارخان»، «باقر خان»، «آیت الله خیابانی» و... از جمله شخصیت هایی هستند که باقری در اشعار خود از آنان به عنوان افرادی آزاد یخواه و روشنفکر یاد کرده است:

«تبریز، باز بوی شباهنگ می دهد
بوی خروش و آینه و سنگ می دهد
بوی پرنده و گل و باروت و صاعقه
بوی عقاب زخمی و «سیرنگ» می دهد
بوی درخت های ز سرخ ایستاده سبز
بوی حماسه های غزل رنگ می دهد
بوی قیام «باقر» و «ستارخان» و صبح
بوی ترانه های دل تنگ می دهد
بوی سرود سبز «خیابانی» کلیم
در روزگار قحطی آهنگ می دهد
ای مُش تهای همدم فریاد، گل کنید
وقتی که ننگ وعده به نیرنگ می دهد!»
(باقری، 1389 : 60)

ستایش مردم آگاه و همیشه در صحنه

ستایش مردم آگاه و همیشه در صحنه از دیگر موضوعاتی است که باقری بدان اشاره می کند:

«مردم/ یعنی شأن نزول صبح/ یعنی کرامت نفس سبز بامداد/ یعنی بهار را/ در لحظه های آبی لبخند یافتن./ مردم/
یعنی صدای خیزش باورت همدلی/ یعنی جای آب/ یعنی همین تپندگی نبض انقباب/ مردم/ در متن و حاشیه ز
روزها/ مستورند/ خود، آبروی تاز هرس نورند/ دریای نا سروده ایما ناند/ که اندوه خاک را/ -در مو جخیز تبسم- زدوده
اند./ آوازشان/ اجاق روشن باران است/ و عصیانشان/ تاریخ را به بند می کشد « (باقری، 1386 : 25)

وطن دوستی

وطن دوستی در مفهوم ملی (ایران)

شاید بتوان گفت اصلی ترین موضوع در هر جنگی، نزاع بر سر سرزمین است. عشق به میهن و دفاع از آن محور شعرهای جنگ و پایداری است .

دفاع از مرزهای کشور، در طول تاریخ کهن ایران و در دوران معاصر، در راستای پاسداشت این سرزمین تداوم داشته است:

«این خاک پاک لاله انگیز طربناک

کاینک سری افکنده دارد پیش افلاک

گفتند اینجا آخور بیگانگان بود

نبض قشون انگلیس اینجا تپان بود

نبض قشون فتنه افروزان پنهان

دشنام تلخی بر لبان باد و بوران

نودولتان صبح در پرگار برده

زنجیر را سوغات استعمار برده...

قنسول* روس اینجا امیری کرده بسیار

هف تآسمان را کرده بر این خطه آوار

اینجا درخت آزمندی تا که بر شد

بلژیک ناگه در سرادق جلوه گر شد

اینجا که صاحبخانه صاحب درد بود هست

چنگی آتش پنج هاش بس سرد بوده ست...»

(باقری، 1369 : 22)

اشعار باقری سرشار از اشاره به رشادت فرزندان میهن برای پاسداشت از این خاک اهورایی:

«... و، با خونشان/ جان را معامله کردند، بی دریغ/ در اصفهان/ از آبنوس هول گذشتند/ تبریز را/ با جوشش مداوم

خون شستند/ در رشت/ نای کبودشان/ شعر زلال و روشن باران شد/ اهواز/ خاکستر تولد ققنوس های جوان./ و، در

قم/ باران فاجعه بارید «(همان، 1386 : 24)

وطن دوستی در مفهوم اقلیمی (سیستان)

«ای در صدایت سبزه گیسو کرده افشان

ای «سیستان» ای پاسدار خنجر و نان ...»

(همان، 1369 : 16)

عاهه بر میهن، سرزمین آبا و اجدادی در شعر باقری از جایگاه ویژه ای برخوردار است. گاه وطنی که باقری از آن یاد می کند، نه وطن ملی، بلکه بخشی از آن یعنی زادگاهش، سیستان است که با بزرگداشت و احترام و گاه با نگاهی حسرتبار از آن یاد می کند. باقری توانسته است با به کارگیری عناصر محیطی و شخصیت های اساطیری سیستان به صورتی ملموس و جذاب به بیان مسائل اجتماعی بپردازد:

«به چه کار می آید/ این شعرهای بانزاکت بازاری/ در سرزمین پارسال و پسین سال/ این شعرها/ که میخ های تابوت شاعرکان اند/ این شعرها که گاه از تو امیری می سازند/ بی جیره و موجب و بی دستار/ گاهی سجاف گلویی می شوند که، نام تو را، با صد فسون به همهمه می گویند.»

(همان، 1388 ب: 180)

یادکرد از نام های تاریخی سیستان و توابع آن در شعر باقری فراوان به چشم می خورد:

«کرکویه* زانو زد به پای اقتدارت

زرتشت گلچین گلستان بهارت

شهر زرنج* ات را بر آتش تکیه داری

خون شقایق را به صحرا می نگاری...

تا باز شد دروازه های شهر سابور*

دانشوران پر فرو بردند در نور...

(باقری، 1369 : 15)

خشک سالی و دلواپسی های مردم سیستان و بلوچستان از این بحران یکی از موضوعات مورد توجه در اشعار باقری است که آن را می توان در همان اصل تابعیت شعرهای باقری از اجتماع جستجو کرد چراکه خشک سالی یکی از ویژگی های اقلیمی سرزمین محل سکونت شاعر است. در میان آثار باقری، مثنوی «ایوب در باد» سرنوشت قومی

است که داغ نکبت بیگانه را بر شانه های فرسوده اش می بیند و آینده اش را در امواج ابر نه توی آزمندی آنان که در اندیشه نام و نان اند و نه چراغ داری شب ماندگان:

«گفتند اینجا «شوکت الملک*» آرزو داشت

از تازیانه با رعایا گفتگو داشت

زن برده بود و مرد در فصل تباهی

آینده را می دید، اما در سیاهی:

آینده ای کز ترعه* توفان برآید

بر پیشبند «کاو» ها محنت فزاید

آیند های کز «بولهب» ها ره بجوید

ما ز راه رفته «بوذر» نگوید

آینده ای «برزویه» کش، «ضحاک» پرور

آینده ای همکاسه با کید ستمگر

اینجا امیران ظلم را بسیار کردند

ما را فدای باج استعمار کردند

اینجا خوانین ریشه با خون آب دادند

از گرده برزیگران سفره گشادند

اینجا بسی ایام کز تیفوس* تب کرد

مردند بسیاری ز مردم از تب زرد

چتر ملخ بس سایه اینجا گستریده ست

جولاهه* تار نیستی اینجا تنیده ست

اینجا وبا کشتارگاهش را گشوده ست

اینجا پلنگ نعره بس بیتاب بوده ست

اینجا گهی طاعون ز مردم باج می برد
 گاه انگلیس از روی کید اندوه می خورد
 گه خشت و خاکش جرعه نوش ابر خون بود
 گه بر فراز دارها رقص جنون بود...»
 (باقری، 1369 : 29)

جدول بسامد بن مایه های اجتماعی پایداری در شعر باقری

(برحسب درصد)

رتبه	درصد بسامد	مضمون	ردیف
3	15.71	اعتراض به رفاه طلبی، بی عدالتی ها و فقر	1
7	2.85	اعتراض و انزجار از افراد بی تفاوت به جنگ	2
8	1.42	انتقاد از عملکرد سازمان های حقوق بشری	3
5	8.57	بیان صحنه های آوارگی و بمباران های هوایی	4
2	20	توصیف پایداری و مقاومت ملت های مظلوم جهان	5
4	11.42	خودآگاهی تاریخی زنان و حضور زنان در صحنه های پایداری	6
6	7.14	خودآگاهی ملی	7
1	32.85	وطن دوستی	8

نتیجه گیری

ادبیات پایداری، حربه ای قوی و کارآمد در مواجهه با دشمنی‌ها و کارشکنی‌های دشمنان و حامیان‌شان است که انسانیت و تفکر و هویت انسانی

را نشانه گرفته‌اند. زبان شعری ادبیات پایداری، زبان خاصی است که ابداع

شد تا در قالب آن، شاعر بتواند پایداری و مبارزه‌اش را در هیئت شعری به

نمایش بگذارد و به جهان اعلام کند. این حرکت، خلاصه‌نسل‌های خونینی

است که بر خاک مقدس و پاک وطن ظهور یافته است. مهم‌ترین محورهای اجتماعی که در شعر پایداری عباس باقری انعکاس یافته؛ عبارتند از: اعتراض به رفاه طلبی، بی‌عدالتی‌ها و فقر، اعتراض و انزجار از افراد بی‌تفاوت به جنگ، انتقاد از پیشرفت تکنولوژیکی و کم‌رنگ شدن ارزش‌ها، انتقاد از عملکرد سازمان‌های حقوق بشری، بیان صحنه‌های آواراگی و بمباران‌های هوایی، توصیف پایداری و مقاومت ملت‌های مظلوم جهان، خودآگاهی تاریخی زنان و حضور زنان در صحنه‌های پایداری، خودآگاهی ملی و وطن‌دوستی.

باقری سرزمین ملی و مادری خود وابستگی و تعلق خاص دارد به طوری که با آن‌ها در غم‌ها، شادی‌ها، شکست‌ها و پیروزی‌ها شریک می‌شود و با آن‌ها، همزبانی و همراهی می‌کند. به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که باقری، به عنوان یک شاعر نقش چکامه پایداری را با راستی و درستی تمام به انجام رسانده است. با توجه یافته‌های پژوهش، مضمون وطن‌دوستی بیشترین بسامد و مضمون انتقاد از عملکرد سازمان‌های حقوق بشری، کمترین بسامد را در میان بن‌مایه‌های اجتماعی شعر باقری داشته‌اند.

منابع

1- امیری خراسانی، احمد، (1387)، «نامه پایداری»، چاپ اول، تهران، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.

2- باقری، عباس، (1369)، «ایوب در باد»، تهران: انتشارات برگ.

3- -----، (1378)، «افطار در عاشورا»، تهران: انتشارات انجمن شعر و ادب سیستان و بلوچستان.

4- -----، (1376)، «خانه سرودها»، تهران: انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.

5- -----، (1382)، «سنگ و سرنا»، تهران: انتشارات روزگار.

6- -----، (1386)، «از پلک سنگ (مجموعه شعر دفاع مقدس)»، تهران: انتشارات صریر.

- 7- -----، (1387) ، « باران تلخ »، زاهدان: انتشارت اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- 8- -----، (1387) ، «تبعید در آفتاب»، مشهد: انتشارت باران.
- 9- -----، (1387) ، « خاک نغمه ها »، تهران: انتشارت سوره مهر.
- 10- (1387) ، -----، «روزهای مندرس»، تهران: انتشارت سوره مهر.
- 11- (1387) ، -----، « مثل شاخهٔ ترنج »، تهران: انتشارت سوره مهر.
- 12- -----، (1388) «روزی کبوتری»، تهران: انتشارت فصل پنجم.
- 13- -----، (1388) ، « نه پنجره، نه ای کاش »، تهران: انتشارت توسعه کتاب ایران.
- 14- -----، (1389) ، « از سال های نغمه و کافور: شرح شوکران »، تهران: انتشارت مؤسسهٔ انجمن قلم ایران.
- 15- -----، (1389) « از سال های نغمه و کافور: من پیام آور شبنم »، تهران: انتشارت مؤسسهٔ انجمن قلم ایران.
- 16- -----، (1389) ، -----، از سال های نغمه و کافور: همین صدای جنوبی »، تهران: انتشارت مؤسسهٔ انجمن قلم ایران.
- 17- -----، (1389) ، «از سال های نغمه و کافور: هنوز سطر اول سایه»، تهران: انتشارت مؤسسهٔ انجمن قلم ایران.
- 18- -----، (1390) ، -----، «ریشه های آفتاب»، تهران: انتشارت فصل پنجم.
- 19- -----، (1390) «ناگهان از خاک»، تهران: انتشارت صریر.
- 20- ترابی، ضیاءالدین، (1389) « آشنایی با ادبیات مقاومت جهان »، تهران: انتشارت بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس.
- 21- حسام پور، سعید و حاجبی، احمد، (1387) « سهم ادبیات پایداری در کتاب های درسی »، نشریهٔ ادب پایداری کرمان، شماره 1، صص: 121 - 133 .
- 22- سنگری، محمدرضا، (1380) « نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس »، چاپ اول، 3 جلد، تهران: انتشارات پالیزانو
- 23- شکری، غالی، (1361) «ادب مقاومت»، (ترجمه محمدحسین روحانی)، چاپ اول، تهران، نشر نو.

24- کاکایی، عبدالجبار، (1380)، «بررسی تطبیقی موضوعات پایداری (در شعر ایران و جهان)» تهران: انتشارات پالیزان.

25- محمدی روزبهانی، محبوبه، (1389)، «قسم به نخل قسم بهزیتون»، چاپ اول، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس.